

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

قاسم باز

۲۶ جنوری ۲۰۱۶

چرا یک عده از دوستان سردار "محمد داوود خان" عجله کردند؟

حضرت ببیدل می فرماید.

به دل گفتم کدامین شیوه دشوار است در عالم نفس در خون تپید و گفت پاس آشنایی ها

به یاد دارم سالهای ۱۳۵۱ گاهی اوقات که به فامیلی های رهاپشی صاحبمنصبان حربی پوهنتون در پلچرخي به منزل عمه خود که شوهر محترم شان دگروال "سعادت خان منگل"، در آن وقت مدیر لوجستیک حربی پوهنتون بود، می رفتم، گاهی اوقات دوستان نزدیک محترم دگروال "سعادت خان منگل" از قبیل، دگروال "شاهپورخان احمدزی" مدیر تدریسات حربی پوهنتون، دگروال "منان خان شینواری" استاد حربی پوهنتون، دگروال "ماما زرغون شاه شینواری"، دگروال "کوهان خان شینواری" را می دیدم.

دگروالان فوق الذکر نه تنها که دوستان یک دیگر بودند، بلکه به مانند پنج برادر باهم رفت و آمد داشتند، اینها در هر عید و روزهای ملی عرض تبریکی نزد شهید مغفور سردار "محمد داوودخان" و مرحوم سردار "عبدلولی" رفت و آمد می کردند، اینها را هم جنرال سردار "عبدلولی" و هم سردار "محمد داوودخان" دوست داشت. هم سردار "داوودخان" و هم سردار "عبدلولی" از علایق آنها به یک دیگر شان خوب واقف بودند. این که در طول مدت زمانی که سردار "محمد داوودخان" در فکر تحول بود، اینها را در جریان تحول نگذاشته شاید علت آن ارتباطات نزدیک و تنگاتنگ آنها به جنرال سردار "عبدلولی" بوده باشد.

این افراد از زمان تصدی "خان محمدخان مرستیال" که به حیث والی ولایت ننگرهار مقرر شده بود با "خان محمدخان مرستیال" هم شناخت داشتند. مرحوم "داوودخان" در زمان وظایف مختلفه که در ولایت ننگرهار اجراء نموده بود از جرأت "خان محمد مرستیال" خوب واقف بود، "داوودخان" می دانست که "خان محمد خان" مشهور به "مرستیال" که دست پرورده شخص خودش "محمد داوودخان" بود به تمام معنی وی را می شناخت، وی می دانست که آقای "مرستیال" هر کار را باجرأت، بدون ترس و کدام واهمه اجراء می کند شاید اولین علتی که مرحوم شهید "داوودخان" وی را در جریان تحول نگذاشته همین علت بوده باشد، وقتی که "غوث الدین فایق" به تحول ضد سلطنت صاحبمنصبان را جلب و جذب می کرد وی به بسیار جرأت و بی پروائی در جلب و جذب صاحب منصبان اردو و افراد به پیش می رفت، شاغلی محترم (عبدالحمید محتاط) و تعداد دیگر افسران اردو توسط "غوث الدین فایق" به تحول ۲۶ سرطان معرفی شده بودند. این گونه جلب و جذب "غوث الدین فایق" به تحول، مرحوم "داوودخان" را در حصه خود بسیار

محتاط ساخته بود، حتی در سالهای اخیر شهید "داوودخان" به "غوث الدین فایق" گفته بود که کوشش کن ارتباطات خود را به من کمتر سازید هر چیزی مهم و ضروری که داشته باشید به شخص "بازمحمد خان" که کلید تحول به دست شان است بگوئید، اگر لازم ببینم به شما ملاقات نمایم با شما می توانم از طریق "بازمحمدخان" تماس برقرار نمایم. چنانچه دوبار ضرورت اقتید که مرحوم "داوودخان" وی را ببیند، یک بار پدرم وی را از حیرتان و بار دیگر از ننگرهار نظر به هدایت مرحوم "داوودخان" به کابل غرض ملاقات نزد شهید "داوود خان" رساند.

وقتی که تحول ۲۶ سرطان به وقوع پیوست، در اوایل صبح اول زمانی که "خان محمد خان مرستیال" غرض تبریگی نزد مرحوم "داوودخان" آمد، مرحوم "داوودخان" هم بدون ضایع کردن وقت به "خان محمد خان مرستیال" دستور داد که شما به وزارت دفاع بروید و امورات وزارت دفاع را کنترل نمائید، "خان محمدخان مرستیال" هم بیدرنگ و بدون معطلی به وزارت دفاع رفته شروع به امر نهی نمود. وی در لحظه اول وقتی که در زینه های وزرات به دفتر موقت خود بالا می شود در دهلیز وزارت دفاع، یک صاحب منصب که وی از سابق با او خصومت داشت وی را تحقیر و توهین می نماید، که این عمل وی در آن لحظات اول سوء تفاهم بین انقلابیون و وی به وجود آورد، همچنان با آنهم که تحول پیروز گردیده بود وی تصور می کرد که بعد از این وی وزیر دفاع است، در این اثنا بین وی و انقلابیون تحول ۲۶ سرطان نزاکت پیدا می شود و شکایت یک عده صاحب منصبان بلند می شود، وقتی که مرحوم "داوودخان" از جریانات وزارت دفاع واقف می گردد وی به "غوث الدین فایق" وظیفه می دهد که به وزارت دفاع بروید و "خان محمدخان" را بگوئید که فعلاً به خانه برود. زمانی که لازم دیده شود وی را مطلع خواهد ساخت، همان بود که "غوث الدین فایق" ساعت دو و یا سه بجه روز ۲۶ سرطان به وزارت دفاع می رود و هدایت سردار "داوودخان" را به "خان محمد خان مرستیال" ابلاغ می کند. بدین ترتیب "غوث الدین فایق" وی را از وزارت دفاع ملی کشیده روانه منزلش می نماید، این هدایت مرحوم "داوودخان" بالای (خان محمد خان مرستیال) تأثیر بد می نماید، بعد از آن وی با سردار "محمد داوودخان" قطع رابطه می نماید و دیگر نزد وی نمی رود.

چون در سطور بالا ذکر گردید که، دگروال "شاهپور احمدزی"، دگروال "سعادت خان منگل"، پدر(شایسته سعادت لامع) گوینده ورزیده تلویزیون رادیو صدای امریکا به نام (آشنا) که در ضمن دختر عمه محترم من (نویسنده این مقاله) می باشد، دگروال "منان خان"، دگروال "ماما زرغون شاه شینواری" و دگروال "کوهاب خان شینواری" باهم از دوره مکتب حریبه دوستان جان جانی یک دیگر بودند. بعد از پیروزی تحول ۲۶ سرطان این افراد فوق الذکر تصور می کردند که در روزهای اول به آنها چوکیهای بلند داده خواهد شد. از این جمله دگروال های فوق الذکر هر یک دگروال "ماما زرغون شاه شینواری" و دگروال "کوهاب خان شینواری" مشکلات سردار "محمد داوودخان" را در نظر نگرفتند و به عجله در گروپ مخالفان "داوودخان" خود را تنظیم نمودند، دگروال "شاهپور احمدزی"، دگروال "منان خان شینواری" و دگروال "سعادت خان منگل" به مثل سابق آرام مسایل را نظاره می کردند. همان بود که در ماه سنبله ۱۳۵۲ دگروال "شاهپور احمدزی" و دگروال "منان خان شینواری" به یک رتبه ارتقاء به حیث جنرالان که "شاهپور احمدزی" به حیث قومندان حربی بنونخی و "منان خان شینواری" به حیث قوماندان مدافع هوایی کابل تقرر حاصل نمود و دگروال "سعادت خان منگل" نظر به خواهش خودش تقاعد گرفت و بعداً به حیث والی یکی از ولایت های افغانستان مقرر و فرمان تقرر شان امضاء گردیده بود، که کودتای هفت ثور به وقوع پیوست.

باور کامل دارم اگر این دو دگروال هریک، دگروال "ماما زرغون شاه شینواری" و دگروال "کوهاب خان شینواری" دوستان قدیمی مرحوم "داوودخان" و جنرال "خان محمدخان" مرستیال کمکی از حوصله کار می گرفتند و آن موی

سفید را آرام می گذاشتند، اینها نیز مانند "شاهپورخان احمدزی" و "منان خان شینواری" به وظایف حساس گماشته می شدند، ولی بدبختانه این دوستان مرحوم سردار "محمد داوودخان" عجله کردند.

جنرال "منان خان شینواری" در روزهای اول کودتای هفت ثور، و جنرال "شاهپورخان احمدزی" دو ماه بعد از پیروزی حزب خلق، توسط اعضای "حزب دموکراتیک خلق؟؟" به شهادت رسیدند. روح شان شاد قابل یادآوری است، وقتی که "حزب دیموکراتیک خلق؟؟" قدرت سیاسی کشور را غصب نمود دگروال "کوهات خان" که در کودتای "محمد هاشم خان میوندوال" به بیست سال حبس محکوم گردیده بود در زمان قدرت "حزب دموکراتیک خلق؟؟" به همراه دیگر محبوسین سیاسی کودتای "محمد هاشم میوندوال" از حبس رها گردید، وی (دگروال کوهات خان) بعداً در زمان حکمرانی "بیرک کارمل" به حیث والی ولایت ننگرهار مقرر گردید که بعد از چند ماه خدمت به "حزب دیموکراتیک خلق؟؟" دوباره خانه نشین شد.

پایان

۲۰۱۶/۲۵/۱